

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۳

(صفحه ۲۵-۴۹)

بیست و هفت غزل از دیگر شاعران در دیوان امیر خسرو دهلوی

مجید منصوری*

چکیده

در این جستار بیست و هفت غزل از شاعران دیگر در دیوان امیر خسرو دهلوی نمایانده شده است. این غزل‌ها از دیوان خواجه کرمانی، اوحدی مراغه‌ای، سلمان ساوجی و سعدی به برخی نسخه‌های خطی دیوان امیر خسرو دهلوی راه یافته و از آنجا وارد دیوان‌های تصحیح‌شده امیر خسرو گردیده است. علاوه بر حذف و افزایش شمار بیت‌ها در برخی غزل‌ها و خوانش‌های غلط، تغییر تخلص‌ها و گاه حذف آنها در دیوان امیر خسرو عجیب‌ترین نکته‌ای است که از رهگذر مقایسه این غزل‌ها به چشم می‌خورد. مع‌الوصف با توجه به مقایسه این غزل‌ها در دیوان امیر خسرو با غزل‌های اصلی در دیوان شاعران مانحن‌فیه، برای تصحیح چند بیت پیشنهادهایی داده شده و نیز کوشش شده، درباره سرچشمه‌های راه یافتن اشعار دیگر شاعران به دیوان امیر خسرو احتمال‌هایی مطرح گردد.

کلیدواژه‌ها: امیر خسرو، انتحال، تغییر تخلص، تصحیف.

مقدمه

دیوان امیر خسرو چندین بار در ایران و هند چاپ شده که البته هیچ‌کدام از این تصحیح‌ها به روش علمی و انتقادی به فرجام نرسیده است. نخستین بار در سال (۱۸۷۱م) در کانپور، شخصی به نام محمد حامد علیخان حامد شاه آبادی، دیوان امیر خسرو دهلوی را تحت عنوان کلیات عناصر دواوین خسرو تصحیح و چاپ کرد. این چاپ سنگی از دیوان امیر خسرو ظاهراً چهار بار نیز تجدید چاپ شد که چاپ چهارم و آخرین چاپ آن در سال ۱۹۱۶م صورت پذیرفت (نک. امیر خسرو ۵، ص ۴۷۵). بعد از چند چاپ سنگی دیگر در هند، نخستین بار م. درویش در سال ۱۳۴۳ش بر پایه تک‌نسخه‌ای دیوان این شاعر کثیرالشعر را در ایران به چاپ رساند. ایشان در مقدمه دیوان امیر خسرو روش تصحیح خود را چنین توضیح داده است:

پس از جستجوی زیاد... علاوه بر نُسخ چاپی، نسخه خطی بسیار گرانبهایی که در حدود سال ۹۶۳ هجری به خط زیبای نستعلیق... نوشته شده بود، به دست آمد... و با وجودی که نسخه‌های دیگری نیز موجود بود، هیچ‌کدام مورد اطمینان قرار نگرفت، چه نسخه مزبور از هر جهت کامل و بی‌نقص می‌نمود و انتخاب و آماده کردن آن برای چاپ، جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذاشت. بنابراین... قرار بر این شد که چاپ کتاب بدون کم و کاست از روی متن کامل نسخه مزبور انجام شود و هر جا به مشکل و ایرادی برخورد نمود، از روی نسخه‌های دیگر تصحیح گردد (م. درویش، پیش‌گفتار).

انوارالحسن در مقدمه تصحیح خود که حدود سه سال بعد از تصحیح م. درویش به سرانجام رسانده است، اشاره کرده که بر پایه همین چاپ و چند نسخه دیگر، تصحیح مجدد دیوان امیر خسرو را به فرجام رسانده است. هر چند که وی به اشتباه تصور کرده سعید نفیسی مصحح دیوان است (انوارالحسن، ص ۳۳). اندکی بعد اقبال صلاح‌الدین دوباره و بر اساس چاپ‌های م. درویش و انوارالحسن و نیز چند نسخه نویافته، دیوان امیر خسرو را تصحیح کرد که محمد روشن نیز همین چاپ را با حذف نسخه‌بدل‌ها و مقدمه اقبال صلاح‌الدین و برخی تغییرات اندک منتشر کرد.

پس از مقایسه چاپ م. درویش با تصحیح اقبال صلاح‌الدین به آسانی می‌توان دریافت که پایه و اساس تصحیح اقبال صلاح‌الدین همان چاپ تهران است با تفاوت‌هایی جزئی.

در این میان، آنچه برای ما حائز اهمیت است این است که علاوه بر اشکالات کوچک و بزرگ در خوانش‌های اشتباه و گشتگی‌های فراوان در این چاپ‌ها، بیست و هفت غزل از دیگر شاعران در تصحیح‌های مختلف در دیوان امیر خسرو راه یافته است! نگارنده پیش از این در مقاله‌ای به بررسی دیوان غزلیات امیر خسرو بر اساس چند دست‌نویس معتبر از دیوان وی پرداخته و در آنجا در باب وجود غزل‌های سایر شاعران در دیوان امیر خسرو به اختصار سخن گفته است (منصوری، ص ۸۵). در ادامه تحقیق ابعاد مختلف و دلایل ورود این غزل‌ها به دیوان امیر خسرو بررسی و تبیین شده است.

شاعران اصلی بیست و هفت غزل

از بیست و هفت غزل راه یافته به دیوان امیر خسرو، هفت غزل از اوحدی مراغه‌ای، هفده غزل از خواجوی کرمانی، دو غزل از سلمان ساوجی و یک غزل از سعدی است.^۱ راه یافتن این شمار زیاد از شعر دیگران به دیوان شاعری دیگر بسیار عجیب و جالب است. در نگاه نخست می‌توان دریافت که این پنج شاعر، یعنی امیر خسرو، سعدی، خواجو، سلمان و اوحدی از شاعران دوره سبک عراقی محسوب می‌شوند و در دوره‌ای هم‌زمان در قید حیات بوده‌اند. پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که بر چه اساس می‌توان گفت که این بیست و هفت غزل که در دیوان امیر خسرو و شاعران مذکور به طور مشترک آمده از امیر خسرو نیست؟ در حالی که امکان دارد این غزل‌ها از دیوان امیر خسرو به دیوان دیگر شاعران وارد شده باشد؛ چرا که امیر خسرو به جز سعدی بر سایر این شعرا تقدم زمانی دارد. اگر بخواهیم در پی پاسخ‌های قانع‌کننده برای این پرسش باشیم می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. یک بیت مشترک، با تغییر یک واژه، در دیوان امیر خسرو و فخرالدین عراقی وجود دارد که به نظر می‌رسد یکی از این دو شاعر این بیت را از دیگری تضمین کرده و ادامه غزل را به اقتفای آن گفته است.

ترک من ای من غلام روی تو جمله شاهان جهان هندوی تو

(امیر خسرو، ۱۰، ص ۸۹۳)

ترک من ای من غلام روی تو جمله ترکان جهان هندوی تو

(عراقی، ص ۲۴۴)

الف. این بیست و هفت غزل در بیشتر نسخه‌های موجود از دیوان امیر خسرو ضبط نشده است.

ب. تعداد ابیات این غزل‌ها در دیوان امیر خسرو در اکثر موارد از تعداد ابیات این غزل‌ها در دیوان شاعران اصلی آنها کمتر است.

ج. گشتگی و تصحیف و تغییر و تبدیل‌های این غزل‌ها در دیوان امیر خسرو بسیار زیاد است و با مقایسه این غزل‌ها در دیوان خواجه، سعدی، اوحدی و سلمان ساوجی به آسانی می‌توان فهمید که تقریباً در بیشتر موارد، ضبط واژه‌های بسیاری از این غزل‌ها که در دیوان امیر خسرو آمده خوانشی اشتباه از نسخه‌های دیوان این شاعران است.

د. در مواردی نیز حذف ابیات تخلص غزل‌های مانحن‌فیه در دیوان امیر خسرو رخ داده است در حالی که همین غزل‌ها در دیوان خواجه، اوحدی، سلمان و سعدی با تخلص همین شاعران مضبوط است.

ه. نمونه‌های دیگری از ترکیبات و اصطلاحات در این غزل‌ها وجود دارد که در شعر شاعران مذکور یافت می‌شود و البته در دیوان امیر خسرو نمی‌توان نظایر آن را یافت که در ادامه تحقیق به برخی از این موارد اشاره رفته است.

تغییر در تخلص غزل‌ها

مهم‌ترین و تأمل‌برانگیزترین تفاوت این بیست و هفت غزل در دیوان امیر خسرو و سایر شاعران مورد بحث، بخش تخلص این غزل‌هاست که می‌توان موارد زیر را عنوان کرد.

الف. تغییر تخلص‌های کلمات هم‌وزن: در غالب غزل‌ها تخلص‌های «سعدی، خواجه، سلمان» تبدیل به «خسرو» شده است و چون این تخلص‌ها از لحاظ عروضی یکسان‌اند دگرگونی کمی در بیت تخلص ایجاد شده است. در بعضی ابیات تخلص تلاش شده است که افزون بر تغییر تخلص در صورت وجود ایجاد اشکال منطقی و... در بیت، تغییرهایی در بیت تخلص صورت گیرد تا با ویژگی‌های امیر خسرو همخوانی داشته باشد. مثلاً بیت «از آن خواجه از این منزل سفر کرد / که سلطانیه بی سلطان خواهد» در دیوان امیر خسرو چنین آمده است: «از آن خسرو ز دهلی رفت بیرون / که ملک هندویی سلطان

نخواهد» و البته در باب همهٔ اینها در جای خود توضیح داده شده است.
 ب. تغییر تخلص‌های غیر هم‌وزن: از میان تخلص‌های شاعرانی که غزل آنها به دیوان امیر خسرو ورود پیدا کرده است، تنها تخلص «اوحدی» است که از نظر عروضی با تخلص «خسرو» یکسان نیست که تغییرات بسیار جالب در بیتِ تخلص به قصد سازگاری وزنی ایجاد شده است.

ج. حذف بیت تخلص: در برخی از این غزل‌ها بیت پایانی که در آن تخلص شاعر آمده بوده، در دیوان امیر خسرو حذف شده است که دلیل آن هم گاه دشواری تبدیل تخلص شاعران بوده و در جای خود به این موضوع پرداخته شده است.
 باید گفت، راه یافتن این بیست و هفت غزل به دیوان امیر خسرو هر چند تا حدود زیادی جای تأمل دارد، اما اینکه چه کسی تخلص‌های این غزل‌ها را به «خسرو» بدل کرده و گاه سعی کرده اختلال‌هایی را که این تبدیل تخلص در وزن شعر ایجاد کرده، رفع کند، بسیار شگفت است.

تفاوت تعداد ابیات غزل‌ها

همان‌گونه که پیش از این به آن اشاره شد، از نظر مقایسهٔ تعداد ابیات این بیست و هفت غزل، اکثراً در هر یک از این غزل‌ها در دیوان امیر خسرو چندین بیت حذف شده است و جز در چند فقره که بیت‌هایی جدید به چند غزل افزوده شده، در غزل‌های وارد شده از این شاعران به دیوان امیر خسرو هیچ بیتی نیست که در دیوان خود شاعران مورد بحث نیامده باشد. قبلاً در بخش تخلص‌ها اشاره شد که ابیات حذفی این شاعران در دیوان امیر خسرو گاه در بیت تخلص بوده و دلیل آن هم دشوار بودن تغییر تخلص از لحاظ سازگاری معنایی و عروضی بوده است. از موارد دیگر که سبب شده بیت‌هایی از این غزل‌ها در دیوان امیر خسرو حذف شود دشواری معنایی و واژگانی آنها بوده است.

تغییرات در واژه‌ها و تصحیف

آنچه از رهگذر مقایسهٔ بیست و هفت غزل مورد بحث در دیوان امیر خسرو با دیوان

خواجو، اوحدی، سلمان و سعدی مشخص می‌شود این است که شعر این شاعران در دیوان امیر خسرو دستخوش تصحیفات کوچک و بزرگ و گاه بسیار پیش‌پافتاده شده است. البته در شمار اندکی از بیت‌ها ضبط دیوان خسرو بر دیگر شاعران برتری دارد که در جای خود به آن پرداخته شده است.

سرچشمه ورود غزل‌های دیگر شاعران به دیوان خسرو دهلوی

اصلی‌ترین پرسش تحقیق حاضر این است که این غزل‌ها چگونه و از کجا وارد نسخه‌های خطی دیوان امیر خسرو شده‌اند و چه کسی تخلص این غزل‌ها را به «خسرو» بدل کرده است؟ در حالی که امیر خسرو دهلوی یکی از پُرشعرتین شاعران ادب فارسی است و اصلاً به هیچ روی نیازی نداشته است که شعر دیگر شاعران را انتحال کند و تخلص آن را به نام خود بگرداند. شاید اگر تغییرات عامدانه و عجیب و غریب در تخلص این غزل‌ها وجود نداشت، می‌شد احتمال داد که این شعرها از حاشیه دوآوین خطی و... وارد دیوان امیر خسرو، شده باشد. با مطالعه دیوان‌های چاپی و در دسترس امیر خسرو مشخص می‌شود که بنای دو چاپ معتبر انوارالحسن و اقبال صلاح‌الدین، چاپ تهران با مقدمه سعید نفیسی و تصحیح م. درویش است، به همین سبب در همه این چاپ‌ها کمابیش غزل‌های مورد بحث وجود دارد. چنان‌که قبلاً اشاره شد، چاپ تهران نیز بر پایه تک‌نسخه‌ای از دیوان امیر خسرو که تاریخ تحریر ۹۶۳ق را داشته به سرانجام رسیده و مصحح اطلاعات دیگری از این نسخه به دست نداده است. با جمیع این اوصاف، باید اشاره کنیم در یک نسخه عکسی که گزیده بسیار مختصری از دیوان امیر خسرو است نیز شماری از این غزل‌ها دیده می‌شود (نک: امیر خسرو ۹). بعد از مقایسه دوآوین چاپی امیر خسرو و چندین دست‌نویس مختلف دیوان وی، تنها در یکی از دست‌نویس‌ها دو غزل از خواجو یافت شد و در سایر نسخه‌ها تقریباً رد پایی از این بیست و هفت غزل دیده نشد. شاید اگر در بین نسخ خطی امیر خسرو که کم هم نیستند، استقصایی صورت گیرد در این باره بتوان به نتایج بهتری دست یافت.

الف. هفت غزل از اوحدی در دیوان امیر خسرو

۱	(اوحدی، ص ۱۱۷-۱۱۸)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۱۵۷)
۱.	درد دلم را طیب چاره ندانست	درد دلم را طیب چاره ندانست
۲.	مرهم این ریش پاره پاره ندانست... خال بناگوش او ز گوشه نشینان	مرهم این ریش پاره پاره ندانست... [در دیوان امیر خسرو نیامده است]
۳.	برد چنان دل که گوشواره ندانست	... قافله عقل را به ساعد سیمین
۴.	ره ز جایی بزد که باره ندانست	راه به جایی برد که یاره ندانست
	سختی از آن دید اوحدی که به اول	سختی از آن دیدی خسرو که به اول
	قاعده آن دل چو خاره ندانست	قاعده آن دل چو خاره ندانست

این غزل در دیوان اوحدی نه بیت دارد و در دیوان امیر خسرو پنج بیت (امیر خسرو ۱۰، ص ۱۵۷؛ همو ۸، ج ۱، ص ۲۷۹؛ همو ۷، ص ۱۸۰) و نیز تصحیح م. درویش (همو ۶، ص ۹۴-۹۵). چنان که مشاهده می‌شود تخلص از «اوحدی» به «خسرو» تغییر داده شده و برای حفظ وزن، الف ندا به آن افزوده شده است که با توجه به فعل «ندانست» در جایگاه ردیف، بیت دستخوش مخالفت قیاس نحوی شده است. مصراع «ره ز جایی بزد که باره ندانست» در دیوان اوحدی مضطرب است. در چاپ م. درویش چنین آمده است:

قافله عقل را به ساعد سیمین راه به جایی برد که ماره ندانست

(امیر خسرو ۶، ص ۹۵)

البته ضبط «یاره» در دیوان امیر خسرو قابل تأمل است که با واژه «ساعد» در همین بیت و «گوشواره» در قافیه بیت پیشین تناسب دارد.

دیدم هزار لعبت دیبالباس را در دست یاره کرده و در گوش گوشوار

(امیر معزی، ص ۲۳۳)

۲	(اوحدی، ص ۱۰۹)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۱۵۲)
۱.	ای نسیم صبحدم یارم کجاست؟ غم ز حد بگذشت غمخوارم کجاست؟	ای نسیم صبحدم یارم کجاست؟ غم ز حد بگذشت غمخوارم کجاست؟

۲	(اوحدی، ص ۱۰۹)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۱۵۲)
۲.	نیستم آسوده از کارش دمی یارب آن آسوده از کارم کجاست؟	نیستم آسوده از کارش دمی یار، آن آسوده از کارم کجاست؟
۳.	تابه گوش او رسانم حال خویش نالهای اوحدی وارم کجاست؟	تابه گوش او رسانم حال خویش نالهای خسرو زارم کجاست؟

این غزل در دیوان اوحدی هفت بیت دارد و در دیوان امیرخسرو پنج بیت. چاپ م. درویش نیز کاملاً مطابق است با چاپ روشن (امیرخسرو ۶، ص ۹۰). این غزل در چاپ انورالحسن نیز آمده است (همو ۷، ص ۱۷۳-۱۷۴). تغییر تخلص از «اوحدی وار» به «خسرو زار» نیز از عجایب است. اوحدی در بیت زیر «فغان اوحدی وار» را آورده است.

اوحدی وار از گناه خود فغانی می‌کنم
 بر فغان اوحدی وارم خداوندا ببخش
 (اوحدی، ص ۲۸)

۳	(اوحدی، ص ۱۸۰)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۳۵۷)
۱.	به من ار دولت وصل تو مقرر می‌شد	بر من ار دولت وصل تو مقرر می‌شد
۲.	کارم از لعل گهربار تو چون زر می‌شد دوش گفتم بتوان دید به خوابت لیکن	کارم از لعل گهربار تو چون زر می‌شد دوش گفتم نتوان دید به خوابت لیکن
۳.	با فراق تو که را خواب میسر می‌شد؟ عقل دل را ز تمنای تو سعی می‌کرد	با فراق تو که را خواب میسر می‌شد؟ عقل وارون ز تمنای تو منعی می‌کرد
۴.	عشق می‌آمد و او نیز مسخر می‌شد اوحدی را غزل امروز روانست که شب صفت خط تو می‌کرد و سخن تر می‌شد	عشق می‌آمد و او نیز مسخر می‌شد [در دیوان امیرخسرو بیت پایانی و تخلص وجود ندارد]

این غزل در دیوان اوحدی هفت بیت و در دیوان امیرخسرو شش بیت دارد (نک: امیرخسرو ۶، ص ۲۳۴؛ همو ۷، ص ۳۸۹؛ همو ۸، ج ۲، ص ۵۶۰-۵۶۱). در چاپ عکسی گزیده دیوان امیرخسرو، برخی ضبط‌های این غزل کلاً با آنچه در جدول آورده‌ایم متفاوت است (امیرخسرو ۹، ص ۵۴).

۴	(اوحدی، ص ۱۹۷)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۳۷۴-۳۷۵)
۱.	گر کسی در عشق آهی می‌کند تا نپنداری گناهی می‌کند...	گر کسی در عشق آهی می‌کند تو نپنداری گناهی می‌کند...
۲.	گر کند رندی نظر، باری رواست محتسب هم گاه گاهی می‌کند...	گر کند رندی نظربازی، رواست محتسب هم گاه گاهی می‌کند...
۳.	اوحدی را گرچه از غم بیم‌هاست هم به امیدش پناهی می‌کند	گرچه خسرو را ازین غم بیم‌هاست هم امیدش را پناهی می‌کند

این غزل در دیوان اوحدی و امیر خسرو ده بیت دارد و نیز در چاپ‌های متعددی آمده است (امیر خسرو ۶، ص ۲۴۹؛ همو ۷، ص ۴۱۰-۴۱۱؛ همو ۸، ج ۲، ص ۶۴۱-۶۴۲). مصرع «گر کند رندی نظر، باری رواست» در دیوان امیر خسرو به صورت «گر کند رندی نظربازی رواست» آمده که البته همین ضبط اخیر بهتر به نظر می‌رسد.

میخواره و سرگشته و رندیم و نظرباز وان کس که چو ما نیست درین شهر کدام است
(حافظ، ص ۳۳)

۵	(اوحدی، ص ۲۵۴-۲۵۵)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۵۶۰)
۱.	من نخواهم برد جان از دست دل ای مسلمانان فغان از دست دل...	من نخواهم برد جان از دست دل ای مسلمانان فغان از دست دل...
۲.	قوّت پایبی ندارد اوحدی تا نهد سر در جهان از دست دل	قوّت پایبی نداری خسرو تا نهی سر در جهان از دست دل

این غزل در دیوان اوحدی هشت بیت دارد و در دیوان امیر خسرو شش بیت. و البته در سایر چاپ‌های موجود از جمله تصحیح م. درویش ضبط نشده است. تغییر تخلص «اوحدی» به «خسرو» و افزودن الف ندا برای رفع اشکال عروضی بیت آخر جالب توجه است. اوحدی در بیتی دیگر چنین گفته است.

بر من ز دلست این همه کو قوّت پایبی تا دل به تو بگذارم و خود را برهانم
(اوحدی، ص ۲۹۳)

۶	(اوحدی، ص ۲۶۶-۲۶۷)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۵۷۸)
۱.	نبض دل شوریده محرور گرفتم دامن ز هوی و هوسش دور گرفتم...	نبض دل شوریده رنجور گرفتم و ایمن ز هوا و هوسش دور گرفتم...
۲.	زین حجره ویرانه چو شد سرد دل ما راه در آن خانه معمور گرفتم	زین خانه ویرانه چو شد سرد دل ما ما راه در آن خانه معمور گرفتم
۳.	در صورت حورا صفتی نیست ز حسنش من دیده ز دیدار چنان حور گرفتم	در صورت حور ار نفسی نیست ز حسنش تا دیده ز دیدار چنان حور گرفتم
۴.	تا مرده دلان را ز کف غم برهانم چون روح نفس در نفس صور گرفتم	تا مرده دلان را ز کف غم برهانم چون روح نفس در نفس صور گرفتم
۵.	ای اوحدی آن نور که پروانه اویی چون رفت؟ که این تابش از آن نور گرفتم	[در دیوان امیرخسرو بیت پایانی و تخلص وجود ندارد]

در دیوان اوحدی هفت بیت و در دیوان امیرخسرو شش بیت دارد. همچنین علاوه بر چاپ روشن در این چاپ‌ها نیز مندرج است (نک: امیرخسرو ۶، ص ۳۸۰؛ همو ۷، ص ۶۲۲-۶۲۳). «رنجور» در مصرع نخست امیرخسرو تصحیف «محرور» است. تناسب «نبض» و «محرور» در بیت زیر نیز آشکار است.

به دست انده تو همچو نبض محروران دلم همی تپد از امتلای اندیشه

(سیف فرغانی، ص ۳۳)

کلمه «ما» از آغاز مصرع دوم بیت دوم، در دیوان اوحدی افتاده است که بر اساس دیوان امیرخسرو می‌توان بیت را اصلاح کرد. بیت سوم غزل اوحدی «در صورت حورا صفتی نیست ز حسنش...» در دیوان امیرخسرو به گونه «در صورت حور ار صفتی نیست ز حسنش» آمده که مرجح است و با مصرع دوم سازگار است. ضمناً ردیف «گرفتم» در دیوان امیرخسرو بدل به «گرفتم» شده که از منظر موسیقایی، غنای خاصی به غزل بخشیده است.

۷	(اوحدی، ص ۳۳۲-۳۳۳)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۶۸۵)
۱.	نه بی یادت برآید یک دم از من نه بی رویت جدا گردد غم از من...	نه بی یادت برآید یک دم از من نه بی رویت جدا گردد غم از من
۲.	به سان اوحدی دور از تو بیم است که فریادی برآید هر دم از من	[در دیوان امیرخسرو بیت پایانی و تخلص وجود ندارد]

این غزل در دیوان اوحدی نُه بیت و در دیوان امیر خسرو شش بیت دارد (نک: امیر خسرو ۶، ص ۴۵۸؛ همو ۷، ص ۷۳۷).

ب. هفده غزل از خواجو در دیوان امیر خسرو

۱	(خواجو، ص ۴۹۲)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۸۰۶)
۱.	آتش اندر آب هرگز دیده‌ای عنبر اندر تاب هرگز دیده‌ای	آتش اندر آب هرگز دیده‌ای عنبر اندر تاب هرگز دیده‌ای
۲.	شد نقاب عارضش زلف سیاه	شد نقاب عارضش زلف سیاه
۳.	شام بر مهتاب هرگز دیده‌ای در غمش <u>خواجو</u> چو چشمِ خونفشان	شام پُر مهتاب هرگز دیده‌ای در غمش <u>خسرو</u> چو چشمِ خونفشان
	چشمهٔ خوناب هرگز دیده‌ای	چشمهٔ خوناب هرگز دیده‌ای

این غزل در دیوان امیر خسرو شش بیت و در دیوان خواجو هفت بیت دارد. همچنین در این چاپ‌ها آمده است (امیر خسرو ۶، ص ۵۱۵؛ همو ۷، ص ۸۴۵).

۲	(خواجو، ص ۶۸۳)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۴۴۹-۴۵۰)
۱.	اگر آن ماه مهربان گردد غم دل غمگسار جان گردد...	اگر آن ماه مهربان گردد غم دل غمگسار جان گردد...
۲.	چون دلم با غم تو گوید راز	چون دلم با غم تو گوید راز
۳.	در میان <u>خامه</u> ترجمان گردد چون ز لعلت سخن کند <u>خواجو</u>	در میان <u>خانه</u> ترجمان گردد چون ز لعلت سخن کند <u>خسرو</u>
	شکر از منطوقش روان گردد	شکر از منطوقش روان گردد

این غزل در دیوان خواجو نُه بیت و در دیوان امیر خسرو هشت بیت دارد و در این چاپ‌ها آمده است (نک: امیر خسرو ۷، ص ۴۹۸-۴۹۹؛ همو ۸، ج ۲، ص ۹۷۸-۹۷۹؛ همو ۶، ص ۳۱۶). «خامه» در مصرع دوم بیت دوم امیر خسرو تصحیف «خانه» در شعر خواجو است.

عمر ابد را شده مدت او پیشکار سر ازل را شده خامهٔ او ترجمان

(خاقانی، ص ۳۵۲)

۳	(خواجو، ص ۴۱۰)	(امیرخسرو، ص ۴۲۹، ۱۰)
۱.	اگر ز پیش برانی مرا که برخواند وگر مراد نبخشی که از تو بستاند؟	اگر ز پیش برانی مرا که برخواند وگر مراد نبخشی که از تو بستاند؟
۲.	به دست تست دلم حال او تو می‌دانی که سوز آتش پروانه شمع می‌داند	به دست تست دلم حال او تو می‌دانی که حال آتش سوزنده شمع می‌داند
۳.	تحیتی که فرستاده شد بدان مجلس گر این مقله بخواند درو فروماند	تحیتی که فرستاده شد بدان حضرت گر این مقوله بخواند درو فروماند
۴.	سرشک دیده خواجو چنین که می‌بینم اگر به کوه رسد کوه را بغلطانند	سرشک دیده خسرو چنین که می‌بینم اگر به کوه رسد سنگ را بغلطانند

این غزل در دیوان خواجو نه بیت و در دیوان امیرخسرو هفت بیت دارد (نک: امیرخسرو ۶، ص ۲۹۷-۲۹۸؛ همو ۷، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ همو ۸، ج ۲، ص ۸۸۵-۸۸۶). درباره تفاوت مصرع‌های دوم بیت دوم در دیوان امیرخسرو و خواجو باید گفت که خواجو در جایی دیگر چنین گفته است.

مپرسید از لگن سوز دل شمع وگر پرسید از پروانه پرسید

(خواجو، ص ۶۶۳)

تصحیف «این مقله» به «این مقوله» که در بیت سوم رخ داده قابل تأمل است. در فقره ششم همین بخش نیز «این مقله» به «این خلیفه» تبدیل شده است.

۴	(خواجو، ص ۶۷۹)	(امیرخسرو، ص ۴۳۳-۴۳۴، ۱۰)
۱.	چون خط سبز تو بر آفتاب بنویسند به دود دل سبق مشک ناب بنویسند...	چو خط سبز تو بر آفتاب بنویسند به دود دل سبق مشک ناب بنویسند...
۲.	خطی که مردم چشم سواد کرد چو آب مگر به خون دل آن را جواب بنویسند	خطی که مردم چشم سواد کرد جواب مگر به خون دل آن را جواب بنویسند
۳.	سزد که بر رخ خواجو قلم‌زنان سرشک دعای خسرو عالیجناب بنویسند	سزد که بر رخ خسرو قلم‌زنان سرشک دعای خسرو عالیجناب بنویسند

این غزل در دیوان امیرخسرو ده بیت و در دیوان خواجو یازده بیت دارد. در این چاپ‌ها نیز آمده است (نک: امیرخسرو ۶، ص ۳۰۲؛ همو ۷، ص ۴۸۰؛ همو ۸، ج ۲، ص ۹۰۶-۹۰۷).

در بیت دوم «سواد کرد چو آب» درست است. «چو آب» در اینجا به معنی «به سرعت و با آسانی» است.

به هر چه مفتی رایت قلم به دست گرفت قضا چو آب نویسد جواب فتوی را
(انوری، ص ۲)

۵	(خواجو، ص ۶۹۸-۶۹۹)	(امیرخسرو، ص ۴۲۶-۴۲۷)
۱.	خطی که بر سمن آن گل‌عذار بنویسد بنفشه نسخه آن نوبهار بنویسد...	خطی که بر سمن آن گل‌عذار بنویسد بنفشه نسخه آن بر بهار بنویسد...
۲.	سواد خط تو یاقوت اگر دهد دستش بر آفتاب به خط غبار بنویسد	سواد خط تو یاقوت اگر دهد دستش بر آفتاب به خط غبار بنویسد
۳.	حدیث خون دلم هر دم این مقله چشمم روان به گرد لب جویبار بنویسد	حدیث خون دلم این خلیفه چشمم از آن به گرد لب جویبار بنویسد
۴.	فلک حکایت خوناب دیده فرهاد به لعل بر کمر کوهسار بنویسد	[این بیت در دیوان امیرخسرو نیست] ...
۵.	کسی که قصه منصور بشنود خواجو به خون سوخته بر پای دار بنویسد	فلک چو قصه منصور بشنود خسرو به خون سوخته بر پای دار بنویسد

در دیوان خواجو نه بیت و در دیوان امیرخسرو هشت بیت دارد (نک: امیرخسرو، ص ۲۹۵-۲۹۶؛ همو، ص ۴۷۱-۴۷۲؛ همو، ص ۸، ج ۲، ص ۸۷۳-۸۷۴). همچنین در یکی از نسخه‌های خطی امیرخسرو که تاریخ تحریر ۸۸۰ ق دارد، آمده است (نک. تصویر شماره ۱).

۶	(خواجو، ص ۴۸۲)	(امیرخسرو، ص ۷۰۶)
۱.	خویش را در کوی بی خویشی فکن تا ببینی خویشتن بی خویشتن	خویش را در کوی بی خویشی فکن تا ببینی خویش را بی خویشتن
۲.	جز میانش بر بدن یک موی نیست وز غم او هست یک مویم بدن	جز خیالش در بدن یک موی نیست وز غم او هست یک مویم بدن
۳.	معرفت خواجو ز پیر عشق جوی تا سخن ملک تو گردد بی سخن	معرفت خسرو ز پیر عشق جوی تا سخن ملک تو گردد بی سخن

این غزل در دیوان خواجو یازده بیت و در دیوان امیرخسرو نه بیت دارد. همچنین در

این چاپ‌ها آمده است (نک: امیرخسرو ۶، ص ۴۷۲؛ همو ۷، ص ۷۵۶).

۷	(خواجو، ص ۴۸۲)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۶۵۸)
۱.	خیز تا باده در پیاله کنیم	خیز تا باده در پیاله کنیم
۲.	گل روی قدح چو لاله کنیم	گل درون قدح چو لاله کنیم
۳.	شادخواران چو مجلس آریند	شادخواران چو باده پیمایند
	دفع غم را به می حواله کنیم	دفع غم راست بر حواله کنیم
	همچو خواجو به نام می خواران	همچو خسرو به نام می خواران
	مرغ دل را به خون قباله کنیم	ملک دیوان به خون قباله کنیم

در دیوان خواجو نه بیت و در دیوان امیرخسرو هشت بیت دارد (نک: امیرخسرو ۶، ص ۴۴۵؛ همو ۷، ص ۷۱۰-۷۱۱). «گل روی قدح» در بیت‌های زیر از خواجو نیز آمده است.

خیز تا صبحدم فرو شویم گل روی قدح به شبنم خم
 (خواجو، ص ۴۵۴)

ز تاب می چو سمن برگشان برآرد خوی ز چهره بر گل روی قدح گلاب زنند
 (همو، ص ۴۴۵)

۸	(خواجو، ص ۲۶۶)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۳۷۱)
۱.	خیمه نوروز بر صحرا زدند	خیمه نوروز بر صحرا زدند
۲.	چارطاق لعل بر خضرا زدند	چارطاق لعل بر خارا زدند
۳.	کارداران بهار از زرد گل	کارداران بهار از روز گل
	آل زر بر رقعۀ خضرا زدند	زال زر بر روضۀ خضرا زدند
	طوطیان با طبع خواجو گاه نطق	مطربان با طبع خسرو گاه نطق
	طعنه‌ها بر بلبل گویا زدند	طعنه‌ها بر بلبل گویا زدند

در دیوان خواجو ده بیت و در دیوان امیرخسرو هشت بیت دارد. و نیز در این چاپ‌ها آمده است (نک: امیرخسرو ۶، ص ۲۴۶؛ همو ۷، ص ۴۰۵-۴۰۶؛ همو ۸، ج ۲، ص ۶۲۳-۶۲۴). واژه «خضرا» در مصراع دوم بیت نخست در شعر امیرخسرو به گونه «خارا» آمده است که خطاست. خواجو در جایی دیگر «چارطاق لعل» و «دیبا» را در کنار هم آورده که به نظر

می‌رسد در آنجا هم تصحیف «خضرا» است.

از شقایق در میان سبزه فراش ربیع
چارطاق لعل بر پیروز‌گون دیبازده
(خواجو، ص ۷۵۷)

۹	(خواجو، ص ۴۲۴-۴۲۵)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۲۷۵)
۱.	دلیم بی وصل جانان جان نخواهد	دلیم بی وصل جانان جان نخواهد
۲.	که عاشق جان بی جانان نخواهد این بیت در دیوان خواجو نیست ...	که عاشق جان بی جانان نخواهد ز رویش می‌گریزد زلف مشکین که پند و صحبت خاقان نخواهد
۳.	از آن خواجو از این منزل سفر کرد که سلطانیه بی سلطان نخواهد	از آن خسرو ز دهلی رفت بیرون که ملک هندوی بی سلطان نخواهد

این غزل در دیوان خواجو یازده بیت و در دیوان امیرخسرو ده بیت دارد و در این چاپ‌های دیوان امیرخسرو آمده است (نک: امیرخسرو ۶، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ همو ۷، ص ۳۰۱؛ همو ۸، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۹). مهم‌ترین نکته در باب غزل مورد بحث این است که بیتی در دیوان امیرخسرو آمده که در دیوان خواجو نیست. اگر این بیت از نسخه‌های خطی دیوان خواجو ساقط نشده باشد و شاعرش امیرخسرو یا برخی کاتبان نسخ دیوان او باشند، جای شگفتی است. تغییرات در بیت تخلص نیز از عجایب و غرایب است.

۱۰	(خواجو، ص ۴۲۶)	(امیرخسرو ۱۰، ص ۳۸۱)
۱.	روی نکوبی وجود ناز نباشد	روی نکوبی وجود ناز نباشد
۲.	ناز چه ارزد اگر نیاز نباشد	ناز چه ارزد اگر نیاز نباشد
۳.	مست می عشق را نماز مفرمای کان که نمیرد بر او نماز نباشد کس متصور نمی‌شود که <u>خواجو</u> هندوی آن چشم ترکتاز نباشد	مست می عشق را نماز مفرمای کان که بمیرد بر او نماز نباشد کس متصور نمی‌شود که <u>خسرو</u> هندوی آن چشم ترکتاز نباشد

این غزل در دیوان هر دو شاعر نه بیت دارد و افزون بر چاپ روشن در این تصحیح‌ها نیز آمده است (نک: امیرخسرو ۶، ص ۲۵۵؛ همو ۷، ص ۴۱۷-۴۱۸؛ همو ۸، ج ۲، ص ۶۶۹-۶۷۰). در مصراع دوم بیت دوم، کلمه «نمیرد» در دیوان امیرخسرو به صورت «بمیرد» ضبط شده و

از نظر معنایی نیز همین درست است. تأیید آن هم بیت زیر است از خواجه:

کسی که مست بمیرد به قول مفتی عشق برو درست نباشد نماز هشیاران
 (خواجه، ص ۷۴۵)

۱۱	(خواجه، ص ۲۹۵)	(امیر خسرو، ۱۰، ص ۵۵۷)
۱.	زهی زلفت شکسته نرخ سنبل گلستان رخت خندیده بر گل	زهی زلفت شکسته نرخ سنبل گلستان رخت خندیده بر گل
۲.	خوشا آن بزم روحانی که هر دم کند مستی به بادامش تنقل	خوشا آن بزم روحانی که هر دم کند مستی به پاداش تعقل
۳.	بزن مطرب که مستان صبوحی زمی مستند و خواجه از تأمل	بزن مطرب که مستان صبوحی از آن مستند و خسرو از تأمل

در دیوان خواجه یازده بیت و در دیوان امیر خسرو نه بیت دارد (نک: امیر خسرو، ۶، ص ۳۶۸؛ همو، ۷، ص ۶۰۶). همچنین فقط بیت نخست با تغییر مصرع دوم «گلستان رخت خندیده گل گل» در گزیده چاپ عکسی امیر خسرو مندرج است (همو، ۹، ص ۱۲۳). مضمون بیت دوم را خواجه در بیتی دیگر کار بسته است.

هرگز از جام می لعلش نمی باشد خمار می پرستی کو به بادامش تنقل می کند
 (خواجه، ص ۲۲۹)

۱۲	(خواجه، ص ۴۳۲-۴۳۳)	(امیر خسرو، ۱۰، ص ۲۵۵)
۱.	عاقل نهد عاشق دلسوخته را پند سلطان ننهد بنده محنت زده را بند	عاقل نهد عاشق دلسوخته را پند سلطان ننهد بنده محنت زده را بند
۲.	ناچار چو شد بنده فرمان تو <u>خواجه</u> چون گردن طاعت ننهد پیش خداوند	ناچار چو شد بنده فرمان تو <u>خسرو</u> چون گردن طاعت ننهد پیش خداوند؟

در دیوان خواجه نه بیت و در دیوان امیر خسرو هشت بیت دارد. همچنین در این چاپ‌های دیوان امیر خسرو آمده است (نک: امیر خسرو، ۶، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ همو، ۷، ص ۲۷۵؛ همو، ۸، ج ۲، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ همو، ۹، ص ۵۵-۵۶).

۱۳	(خواجو، ص ۷۰۸-۷۰۹)	(امیر خسرو، ص ۵۰۹، ۱۰)
۱.	کجا بود من مدهوش را حضور نماز	کجا بود من مدهوش را حضور نماز
۲.	خرد مجوی ز <u>خواجو</u> که اهل معنی را	که کنج کعبه ز دیر مغان ندانم باز
۳.	نظر به <u>عشق حقیقتی</u> ، بود نه عقل مجاز	گذشت شعر ز شعری و شورش از گردون
	چرا که از پی آوازه می‌رود آواز	چرا که از پی آوازه می‌رود آواز
		خرد مجوی ز <u>خسرو</u> که اهل معنی را
		نظر به <u>عشق حقیقت</u> ، بود نه عقل مجاز

در هر دو دیوان خواجو و امیر خسرو این غزل دوازده بیت دارد. همچنین در این چاپ‌های دیوان امیر خسرو مضبوط است (نک: امیر خسرو، ص ۶، ص ۳۴۲؛ همو، ص ۷، ص ۵۵۸). این غزل در چاپ عکسی یکی از نسخه‌های خطی دیوان امیر خسرو نیز آمده است (همو، ص ۱۱۰، تصویر شماره ۳).

۱۴	(خواجو، ص ۴۵۴)	(امیر خسرو، ص ۶۶۰، ۱۰)
۱.	<u>دل گل زنده</u> گردد از دم خُم	<u>گُل دل تازه</u> گردد از دم خُم
۲.	<u>جان خواجو</u> اگر به وقت صبح	<u>دل گل زنده</u> گردد از نم خُم
	همچو ساغر برآید از غم خُم	<u>جان خسرو</u> مگر به وقت صبح
		همچو ساغر برآمد از غم خُم

این غزل در دیوان خواجو نه بیت و در دیوان امیر خسرو هفت بیت دارد (نک: امیر خسرو، ص ۶، ص ۴۴۷؛ همو، ص ۷، ص ۷۱۳).

۱۵	(خواجو، ص ۴۰۹)	(امیر خسرو، ص ۳۵۸، ۱۰)
۱.	<u>گر دلم</u> روز وداع از پی محمل می‌شد	<u>هر کسی</u> روز وداع از پی محمل می‌شد
۲.	گذر از خویش که بی قطع مسالک، خواجو	تو مپندار که آن دلبرم از دل می‌شد
	هیچ سالک نشنیدیم که واصل می‌شد	بگذر از خویش که بی طبع مسالک، خسرو
		هیچ سالک نشنیدیم که واصل می‌شد

در دیوان خواجو نه بیت و در دیوان امیر خسرو هفت بیت دارد. در این چاپ‌ها نیز

آمده است (نک: امیر خسرو ۷، ص ۳۹۰؛ همو ۸، ج ۲، ص ۵۶۵-۵۶۶).

۱۶	(خواجو، ص ۲۲۷)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۴۴۶-۴۴۷)
۱.	هر که ر یار یار می افتد	هر که ر یار یار می افتد
۲.	مقبل و بختیار می افتد	مقبل و بختیار می افتد
۳.	دلَم از شوق چشم سرمست	دلَم از شوق چشم سرمستش
	دم به دم در <u>خمار</u> می افتد	دم به دم در <u>کنار</u> می افتد
	هر که او خوار می فتد <u>خواجو</u>	هر که او خوار می فتد <u>خسرو</u>
	همچو ما باده خوار می افتد	همچو ما باده خوار می افتد

در دیوان خواجو یازده بیت و در دیوان امیر خسرو ده بیت دارد. همچنین در این چاپ‌های دیوان امیر خسرو آمده است (امیر خسرو ۶، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ همو ۷، ص ۴۹۵؛ همو ۸، ج ۲، ص ۹۶۴-۹۶۵). در یکی از نسخه‌های خطی امیر خسرو که تاریخ تحریر ۸۸۰ ق را دارد، نیز آمده است (نک: همو ۲، تصویر شماره ۲).

۱۷	(خواجو، ص ۵۰۱)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۸۴۴)
۱.	هیچ شگرّ چو آن دهان دیدی؟	هیچ شگرّ چو آن دهان دیدی؟
۲.	هیچ تنگ شکر چنان دیدی؟	هیچ تنگ شکر چو آن دیدی؟
۳.	ندارد	در سخن جنز شراب آتش فام
۴.	ندارد	ز آب آتش نشان نشان دیدی؟
	ندارد	پرت روی او بگوروشن
	ندارد	هیچ در ماه آسمان دیدی؟
	همچو غرقاب عشق او <u>خواجو</u>	همچو غرقاب عشق او <u>خسرو</u>
	هیچ دریای بیکران دیدی؟	هیچ دریای بیکران دیدی؟

این غزل در دیوان خواجو و امیر خسرو هفت بیت دارد، با این تفاوت که در دیوان امیر خسرو دو بیت از غزل خواجو حذف شده و ابیات جدید جایگزین شده است. این دو بیت متفاوت نیز بسیار حائز اهمیت و محل تأمل است. غزل مذکور در این چاپ‌های دیوان امیر خسرو آمده است (نک: امیر خسرو ۶، ص ۵۶۷؛ همو ۷، ص ۹۱۶).

ج. دو غزل از سلمان ساوجی در دیوان امیر خسرو دهلوی

۱	(سلمان ساوجی، ص ۳۵۷)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۵۳۱)
۱.	آنکه از جان دوست‌تر می‌دارمش او مرا بگذاشت من نگذارمش	آنکه از جان دوست‌تر می‌دارمش گر مرا بگذاشت من نگذارمش
۲.	ندارد	آنکه در خون دل من خسته است
	ندارد	من دو چشم خویش می‌پندارمش
۳.	می‌دهم جان روز و شب در کار دوست	می‌دهم جان روز و شب در کوی دوست
	گو مران از پیش اگر در کارمش	گوهری زین بیش اگر در کارمش
۴.	بادل خود گفتم او را چیستی؟	با دل خود گفتم او را چیستی؟
	گفت سلمان او گل و من خارمش	گفت خسرو او گل و من خارمش؟

این غزل در دیوان هر دو شاعر ده بیت دارد، با این تفاوت که در دیوان امیر خسرو یک بیت از غزل خواجو حذف شده و بیتی جدید جایگزین آن شده است. در این چاپ‌ها نیز به نام امیر خسرو آمده است (امیر خسرو ۶، ص ۳۵۵؛ همو ۷، ص ۵۸۰؛ همو ۹، ص ۱۱۵).

۲.

(سلمان ساوجی، ص ۳۵۱)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۴۹۰-۴۹۱)
الف. یارب این ماییم از آن جان جهان افتاده دور سایه‌وار از آفتابی ناگهان افتاده دور ب. ما چو اشکیم از فراقش مانده در خون جگر بر کناری وز میان مردمان افتاده دور ج. رحمتی ای هم‌رهان آخر که جای رحمت است بر غریبی ناتوان از کاروان افتاده دور د. چون کنم یاران که من بیمار و مرکب ناتوان جان به لب نزدیک و راهی در میان افتاده دور ه. بینوا چون بلبلم بی برگ چون شاخ رزان کز جمال گل بود در مهر جان افتاده دور ط. آنچنان کانداخت چشم بد مرا دور از رخت باد چشم بد ز رویت آنچنان افتاده دور * دور از کوی تو سرگردان همه شب تا به روز در فغان گویی سگی از آستان افتاده دور و. در خیال ابرویت تنها و بی کس سال‌ها شسته در خاکم چو تیری که باشد از کمان افتاده دور	الف. یارب این ماییم از آن جان و جهان افتاده دور سایه‌وار از آفتابی ناگهان افتاده دور د. چون کنم یاران که من بیمار و مرکب ضعیف جان به لب نزدیک و راهی در میان افتاده دور ه. بینوا چون بلبلم بی برگ چون شاخ رزان کز جمال گل بود در مهر جان افتاده دور ط. آنچنان کانداخت چشم بد مرا دور از رخت باد چشم بد ز رویت آنچنان افتاده دور * دور از کوی تو سرگردان همه شب تا به روز در فغان گویی سگی از آستان افتاده دور و. در خیال ابرویت تنها و بی کس سال‌ها شسته در خاکم چو تیری از کمان افتاده دور

(امیر خسرو ۱۰، ص ۴۹۰-۴۹۱)	(سلمان ساوجی، ص ۳۵۱)
* یاد گن از چون منی ای دوست گر با چون تویی آنچنان نزدیک بود این دم چنان افتاده دور * گفته‌ای تو کیستی؟ مانده در این کو اینچنین بیدلی سرگشته‌ای از خان و مان افتاده دور ی. دی خیالت گفت، خسرو حال تنهاییت چیست؟ چيست همچون حال تنهایی ز جان افتاده دور؟	ز. من چو پیکان زیر پی پیموده‌ام روی زمین بوده جویای نشانش وز نشان افتاده دور ح. ما نمی‌بینیم عالم جز به نور طلعتت گرچه از ماهی چو ماه از آسمان افتاده دور ط. آنچنان کانداخت چشم بد مرا دور از رُخت باد چشم بد ز رویت آنچنان افتاده دور ی. دی خیالت گفت: سلمان حال تنهاییت چیست چون بود حال تن تنها ز جان افتاده دور

این غزل در دیوان سلمان ده بیت و در دیوان امیر خسرو نه بیت دارد. همچنین در این چاپ‌ها به نام امیر خسرو مضبوط است (نک: امیر خسرو ۶، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ همو ۷، ص ۵۴۱-۵۴۲). از نه بیت مضبوط در دیوان امیر خسرو، شش بیت آن در دیوان سلمان ساوجی نیز وجود دارد و سه بیت جدید هم در غزل امیر خسرو آمده که در دیوان سلمان نیست؛ بیت «و» نیز تا حدود زیادی تغییر کرده است. علاوه بر این، جابه‌جایی بیت‌های غزل سلمان در دیوان امیر خسرو مشهود است.

د. یک غزل از سعدی یا کمال‌الدین اصفهانی در دیوان امیر خسرو

(سعدی، ص ۲۸۵)	(امیر خسرو ۱۰، ص ۵۹۳)
۱. نه دسترسی به یار دارم نه طاقت انتظار دارم	نه دسترسی به یار دارم نه طاقت انتظار دارم
۲. دشنام همی دهی به خسرو من با دو لب تو کار دارم	دشنام همی دهد به خسرو من با دو لب تو کار دارم

این غزل هشت‌بیتی عیناً در هر دو دیوان با تغییر در تخلص آمده است. در این چاپ‌ها به نام امیر خسرو مضبوط است (امیر خسرو ۷، ص ۶۴۰؛ همو ۶، ص ۳۹۳). همین غزل در دیوان کمال‌الدین اصفهانی هم آمده که در آنجا نه بیت دارد و برخی ضبط‌های آن با هر دو دیوان سعدی و امیر خسرو اختلاف دارد و بیت تخلص غزل در آنجا چنین است:

دشنام همی دهی مرا باش من با دولب تو کار دارم
(کمال‌الدین اسماعیل، ص ۷۳۹)
به سبب ضبط‌های یکسان در دیوان امیر خسرو و سعدی، به احتمال بسیار این غزل از دیوان سعدی به دیوان امیر خسرو راه یافته است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله بیست و هفت غزل از شاعران دیگر در دیوان امیر خسرو نمایانده شد و مورد بحث، توصیف، مقابله و مقایسه قرار گرفت. می‌توان دستاوردهای اصلی مقاله را چنین بیان داشت.

الف. تغییرات در تخلص این شعرها و دستکاری بیت تخلص و یا حذف آن، در تمام موارد رخ داده است.

ب. در اکثر موارد ذکر شده، تعداد ابیات غزل‌ها در دیوان امیر خسرو نسبت به این غزل‌ها در دیوان شاعر اصلی، کمتر است. غالباً بیت‌های دشوار نامفهوم و گاه سست، در دیوان امیر خسرو حذف شده است.

ج. در برخی غزل‌ها، در دیوان امیر خسرو بیت یا بیت‌هایی جدید است که در همان غزل در دیوان شاعر اصلی وجود ندارد.

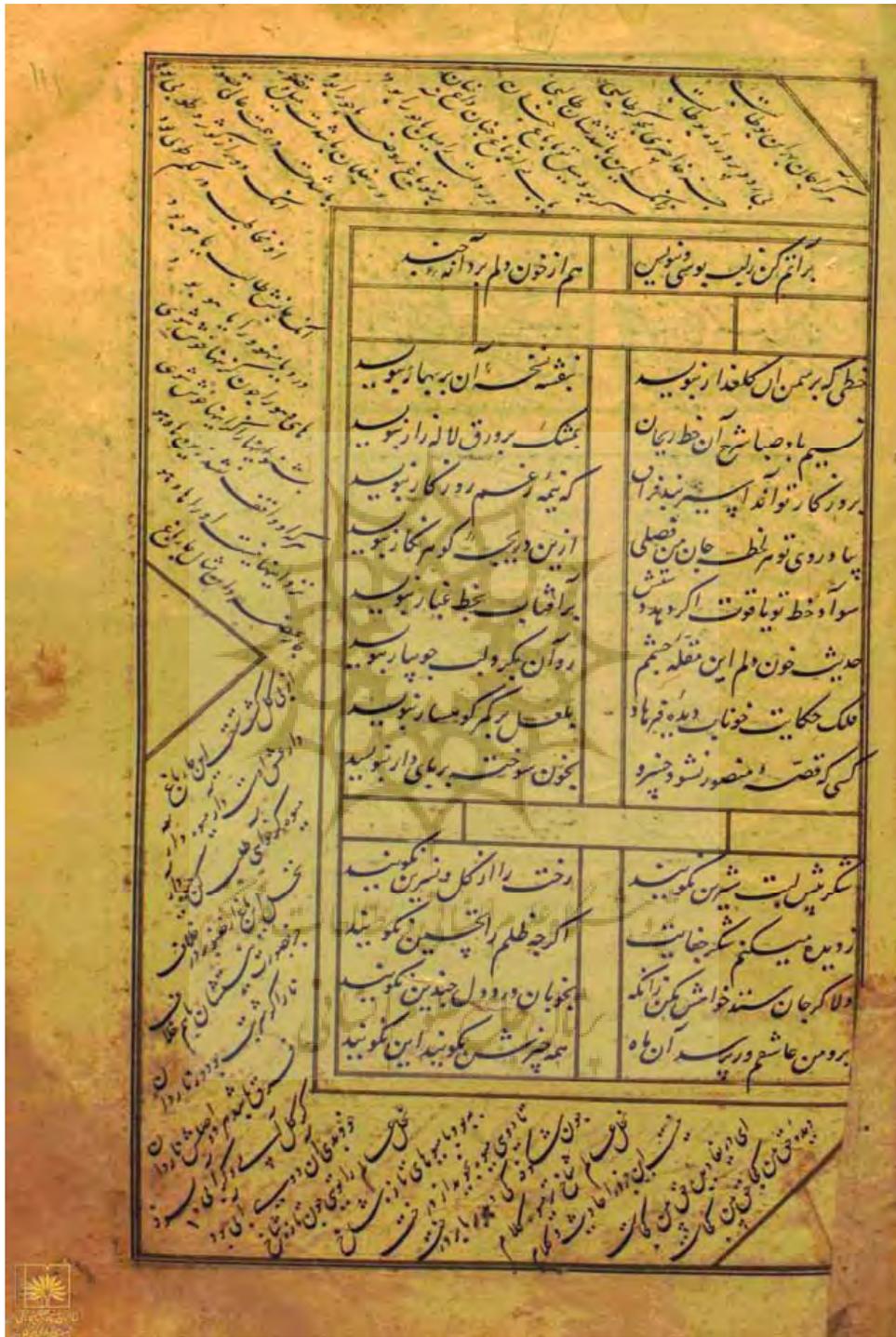
د. غزل‌های دیگر شاعران در دیوان امیر خسرو دستخوش گشتگی‌ها و تصحیفات پیش‌یا افتاده بسیار شده است.

ه. گاه ضبط برخی واژه‌های غزل‌ها در شعر امیر خسرو، بر ضبط آنها در دیوان شاعران مذکور برتری دارد و در چند فقره برای تصحیح این بیت‌ها پیشنهادهایی داده شد.

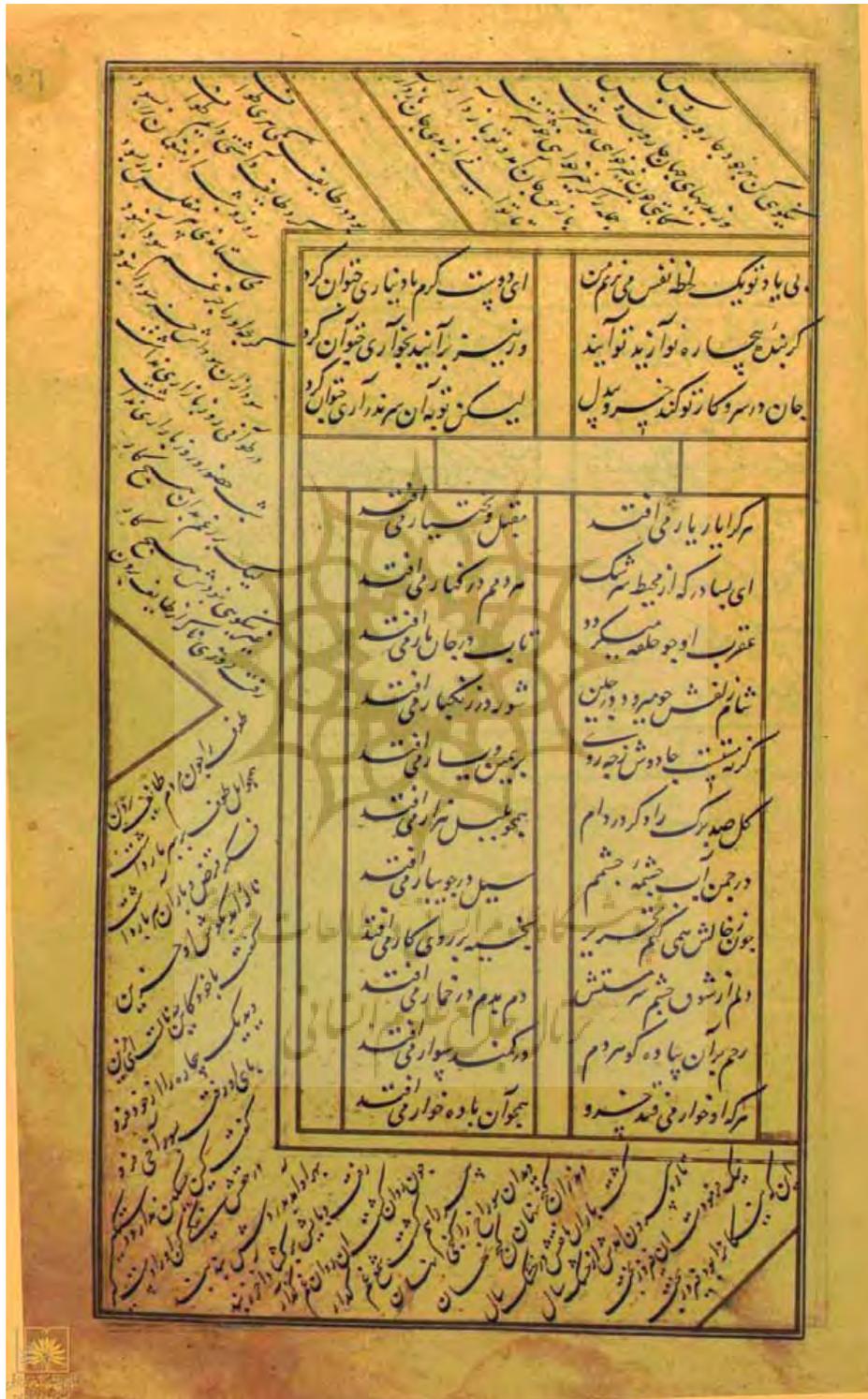
و. برای دلایل و سرچشمه‌های ورود شعرهای دیگران به دیوان امیر خسرو، نمی‌توان پاسخ قاطع و محکم بیان داشت. این بیست و هفت غزل در چاپ‌های قدیم هند وجود ندارد و از چاپ تهران به بعد است که این غزل‌ها وارد چاپ‌های مختلف دیوان امیر خسرو شده است. پس از بررسی چندین دست‌نویس گونه‌گون، تنها در یک دست‌نویس که تاریخ تحریر ۸۸۰ق را دارد، دو غزل از خواجو یافت شد، و در سایر نسخ ردپایی از این غزل‌ها دیده نشد. البته در یک چاپ عکسی نسخه‌ای گزیده خطی از دیوان امیر خسرو، که در سال ۱۹۷۵م، چاپ شده نیز چند غزل یافت شد که این موارد در مقاله مشخص شده است.

منابع

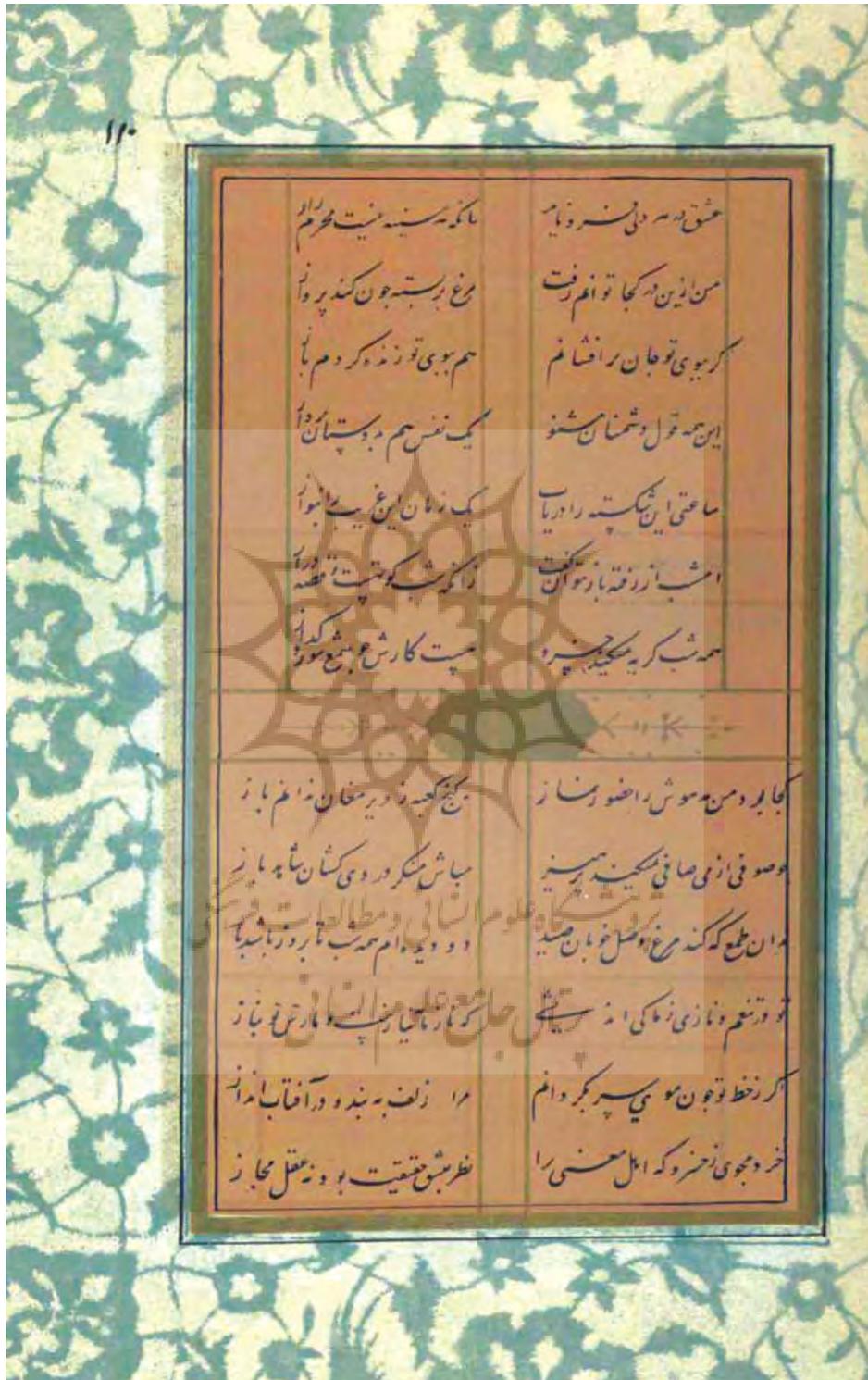
- امیر خسرو دهلوی (۱)، دیوان، (کتابت احمد بن حاجی بن ایران بن محمد بن ایران قمی)، نسخه کتابخانه ملی، ش ۱۶۷۵۹ (۸۴۰ق).
- _____ (۲)، مجموعه (کتابت غیاث‌الدین بن ولی القاسمی)، نسخه کتابخانه ملی، ش ۱۵۷۷۵ (۸۸۰ق).
- _____ (۳)، دیوان، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۳۳۸۷ (۹۸۴ق).
- _____ (۴)، کلیات عناصر دواوین خسرو (چاپ سنگی)، تصحیح محمد حامد علیخان حامد شاه‌آبادی، نولکشور، کانپور، ۱۸۷۱م.
- _____ (۵)، کلیات عناصر دواوین خسرو (چاپ سنگی)، تصحیح محمد حامد علیخان حامد شاه‌آبادی، نولکشور، کانپور، ۱۹۱۶م.
- _____ (۶)، دیوان، به تصحیح م، درویش و مقدمه سعید نفیسی، جاویدان، تهران، ۱۳۴۳.
- _____ (۷)، دیوان، ترتیب و تهذیب انوارالحسن، نولکشور آکادمی، لکهنو، ۱۹۶۷م.
- _____ (۸)، کلیات غزلیات خسرو، جمع و تصحیح اقبال صلاح‌الدین، با تجدید نظر سیدوزیرالدین عابدی، پیکچرز، لاهور، ۱۹۷۲م.
- _____ (۹)، دیوان (چاپ عکسی)، به اهتمام سجاد ظهیر و جنرال منیجر، استقلال پریس، لاهور، ۱۹۷۵م.
- _____ (۱۰)، دیوان، به تصحیح اقبال صلاح‌الدین و تجدید نظر سید وزیرالحسن عابدی و مقدمه محمد روشن، نگاه، تهران، ۱۳۸۷.
- امیرمعزی، دیوان، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۹.
- انوارالحسن، مقدمه بر دیوان امیر خسرو دهلوی، نولکشور آکادمی، لکهنو، ۱۹۶۷م.
- انوری، دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.
- اوحدی مراغه‌ای، کلیات اشعار، مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، سنایی، تهران، ۱۳۹۱.
- حافظ شیرازی، دیوان، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار، تهران، ۱۳۸۴.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، دیوان، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۷۸.
- خواجو کرمانی، دیوان، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، پاژنگ، تهران، ۱۳۶۹.
- سعدی، مصلح‌الدین، غزل‌های سعدی، به کوشش غلامحسین یوسفی، سخن، تهران، ۱۳۸۵.
- سلیمان ساوجی، کلیات، مقدمه و تصحیح عباسعلی وفایی، سخن، تهران، ۱۳۸۹.
- سیف فرغانی، دیوان، مقدمه و تصحیح ذبیح‌الله صفا، فردوسی، تهران، ۱۳۶۴.
- عراقی، فخرالدین، کلیات، تصحیح و توضیح نسرین محتشم، زوار، تهران، ۱۳۹۲.
- کمال‌الدین اسماعیل، دیوان، به تصحیح حسین بحرالعلومی، کتابفروشی دهخدا، تهران، ۱۳۴۸.
- م. درویش، مقدمه بر دیوان امیر خسرو دهلوی، جاویدان، تهران، ۱۳۴۳.
- منصوری، مجید، «بررسی دیوان غزلیات امیر خسرو دهلوی بر اساس چند دست‌نویس معتبر»، متن‌شناسی ادب فارسی، دانشگاه اصفهان، ش ۳ (پیاپی ۱۹)، اصفهان، ۱۳۹۲.



(تصویر شماره ۱): غزل شماره ۵ از خواجه در نسخه دیوان امیر خسرو به تاریخ تحریر (۸۸۰)، برگ ۱۱۱.



(تصویر شماره ۲): غزل شماره ۱۶ از خواجه‌جو در نسخه دیوان امیر خسرو به تاریخ تحریر (۸۸۰)، برگ ۱۵۶.



(تصویر شماره ۳)



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی